



دفاع داوران جایزه جلال

از ندادن جایزه به بهترین داستان و رمان

جایزه جلال بر تن بعضی‌ها لباسی گشاد بود

محتوای آثار داستانی پانزدهمین جایزه جلال، از نظر داوران این دوره صرفاً در حدی بود که «شایسته تقدیر» باشند وگرنه اثری که در حد جایزه اصلی باشد، امسال وجود نداشته‌است! امسال جایزه جلال در بخش های «داستان بلند و رمان» و «داستان کوتاه» صرفاً به معرفی آثار شایسته تقدیر کفایت کرد که حواشی‌ای را به دنبال داشت، همین موضوع باعث شد داوران این بخش‌ها در مصاحبه‌هایی از عملکرد خود دفاع کنند. آنها می‌گویند که نمی‌خواستند لباسی گشاد بر تن آثار کنند.

رحیم مخدومی، نویسنده و داور بخش رمان جایزه جلال آل احمد، درباره اینکه چرا به هیچ کدام از چهار اثر راه‌یافته به بخش نهایی داوری‌ها، جایزه اصلی داده‌شد؟ می‌گوید: «ما به عنوان داور وظیفه داریم که شَأَن و جایگاه اثر بر گزیده را حفظ کنیم، اما نباید به گونه‌ای باشد در سالی که آثار بر گزیده نداشتیم، بگوییم چون فردی یک اثر متوسط و حتی ضعیف ارائه داده و نسبت به سایر آثار ضعیف دیگر بر تری دارد، آن اثر بر گزیده اعلام شود. یا گفته شود که این اثر شانس آورد، چراکه آن سال آثار محکمی ارائه نشد و اثر ضعیف‌وی بر گزیده شد. اثر بر گزیده نباید مبتنی بر شانس باشد و باید مبتنی بر معیار باشد. در غیر این صورت اجحاف در حق اثر خوب می‌شود و این کار قابل دفاع نیست. آثار باید به حدی از بلوغ برسند که قابل دفاع باشند و بتوان آن‌ها را برگزیده را بر آنها گذاشت.»

مخدومی در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: «عده‌ای دیگر به این قائل هستند که اثر بر گزیده شَأَن و جایگاهی دارد و اگر آثار بر گزیده شده سال‌های متعدد را کنار اثرین دوره گذاشتیم، نباید اختلاف فاحشی بایم داشته باشند. این گروه قائل هستند که در اثر بر گزیده معیارهایی وجود دارد که باید رعایت شود. اثر بر گزیده نباید از لحاظ ساختاری و محتوایی ضعف فاحشی داشته‌باشد. ما نمی‌توانیم بنذیریم چون این اثر که در مقایسه با آثار آن سال بر تری دارد، بر گزیده اعلام شود. خوب در اینجا حق این اثر چه می‌شود؟ حقیش این است که نشان بدهیم این اثر نسبت به آثار آن سال بر تر است، اما نباید لباسی به تنش کنیم که برایش گشاد باشد. من خودم قائل به نگاه دوم هستم.»

داور بخش رمان پانزدهمین جایزه جلال، درباره سطح کیفی آثار این دوره تأکید می‌کند: «آثار از بعد محتوا یا فنی و ساختار سخیمگیر نبودند و انتظار داوران را برآورده نکردند. محتوا و ساختار اهمیت دارند و پا به پای هم پیش می‌روند و اثر را به اهتزاز می‌رسانند.»

■ محتوای آثار باعث خط خوردن آنها شد

بخش داستان کوتاه جایزه جلال هم با وجود اینکه امسال آثار قابل توجهی در این بخش به جایزه جلال راه پیدا کرد،میدوند. آثار این بخش را انتخاب اثر شایسته تقدیر بر خود باید داد. یوسف قویق، یکی از داوران بخش داستان کوتاه، درباره اینکه چرا در این بخش نیز اثر بر گزیده وجود نداشت، یادداشتی را منتشر کرده‌است و در آن با اشاره به روند داوری‌ها نوشته‌است: «داوران جشنواره به خاطر تخصصی که دارند، «فرم و تکنیک» استفاده شده را قاعداً می‌شناسند. من به عنوان داور، همراه با دیگر داوران، هم در این‌دوره جایزه جلال و هم در دوره قبل، بارها از خواندن کتاب‌هایی که شیوه‌های روایت فوق‌العاده‌ای داشته‌اند، لذت برده و نویسنده‌اش را تحسین کرده‌ایم. تا این‌جای کار و تا این مرحله، داوری براساس حرفه نویسندگی است، اما همین داور قرأت اثر را براساس «محتوا، مضمون و درونمایه» نیز سبک و سنگین کند. معیار این بخش از داوری، فرهنگ رفتاری و گفتاری غالب در جامعه‌ای است که همان داور در آن زندگی می‌کند و با آن آشناست.»

وی ادامه داده‌است: «مجموعه داستانی باید به لحاظ فرم روایت و ساختار فنی، بسیار عالی نوشته شده‌باشد و در آن شاهد نوآوری هم باشیم، اما همان کار، اگر محتوای مناسبی نداشته‌باشد، اما از داوری کنار گذاشته می‌شود. همچنان که در این دوره از جشنواره به اتفاق آراء از سوی همکاران داور چنین کردیم.»

لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر کمتر دوره‌ای بوده‌است که جایزه جلال در بخش‌های داستان کوتاه و رمان اهدا شود.

نشر

در قالب کتاب «بر مدار مزار» منتشر شد

روایت‌هایی از زائران مزار حاج قاسم سلیمانی

پدر و مادر نذر کرده‌بودند اگر خدا پسری به آنها داد اسمش را قاسم بگذارند. حالا که دوقلوی پسر داشتند، نام یکی را «قاسم» و نام دیگری را به خاطر شهید پور جعفری، «حسین» گذاشته بودند



شخصیت شهدا را زیباتر و درست‌تر نمایش دهد.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «یکی از روزهایی که نوبت خادمی‌ام بود، پدری نوزادش را لای پتو به گلزار شهدا آورد و روی مزار حاج قاسم گذاشت.

روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان

سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

قطاع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸-نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶

چاپ: همشهری

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۶۸۴ | چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱ | ۳ رجب ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۱۷ | غروب آفتاب: ۱۷:۴۰ | اذان مغرب: ۱۷:۴۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۳ | اذان صبح فردا: ۵:۴۲ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۹

حکمت

امیر المؤمنین علی

علیه‌السلام:

قناعت، ثروتی

تمام‌ناشدنی‌است.

حکمت ۵۷**نهج‌البلاغه**

فرخ‌نژاد و ایفای نقش سفیدپیش از فرار سیاه

حمید فرخ‌نژاد، حزب‌اللهی‌ترین و آخرین نقش خود را در سریال سقوط که این روزها

از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود، ایفا کرده است!



■ مصطفی شاه‌کرمی

فرخ‌نژاد در آخرین اثری که بازی کرد(سریال سقوط) برخلاف تمامی بازی‌های قبلی‌اش،ایفاگر نقش سفیدترین کاراکتر دوران بازیگری‌اش بود؛ یک نیروی امنیتی سپاهی، یا آیین اقدام او در کنار فرآیند چندماهه فروش اموال منقول و غیرمنقولش در ایران می‌تواند بدون برنامه‌ریزی قبلی باشد؟! هیچ ذهن تحلیلی‌گر و عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که خروج این سلبریتی، آن هم به بهانه دروغین حمایت از اغتشاش‌گران و هجمه به حاکمیت بدون تهیه و تدار قبلی یا به اصطلاح به یکباره صورت گرفته باشد، بلکه یک فرآیند طراحی شده چندلایه بود در این پروسه دست‌داشته‌اند. این نکته‌ای است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

ضرب‌هنگ تند فرآیند اتفاقات اخیر در کشور باعث شد تا محدودی فرصت تحلیل و بررسی همه اتفاقات با جوانب و حواشی آنها از جمله خروج فرخ‌گونه برخی سلبریتی‌ها مانند حمید فرخ‌نژاد از کشور و خیانت آنها به ملک و مردم فراهم نشود، اما حالا با آرام شدن فضای جامعه و استیلای انگار‌های رفتار

عقلایی می‌توان برخی از آن رخدادها را با گستره

و وسیع‌تری مورد کنکا‌ش قرار داد.

■ شروع یک فرآیند و غفلت مسئولان

علت اهمیت داشتن پرداختن به موضوع فرار حمید فرخ‌نژاد از کشور با کنار هم قرار دادن سیر اتفاقات و اخبار مرتبط با این سلبریتی خائن، به‌خصوص بعد از لو رفتن دیداری که بافرزند شاه مخلوع داشت، نشان می‌دهد که او از مدت‌ها قبل در حال تهیه و تدار ک مقدمات این اقدام بوده و چه بسا وی با برخی جریان‌ت‌ز زمینه‌برداشتن گهگاهی بعدی و تکمیل پازل طراحی شده را هماهنگ و برنامه‌ریزی کرده است.

همانطوری که طی این چند وقت بسیاری از رسانه‌ها به آن اشاره کردند حمید فرخ‌نژاد جزو

معدود بازیگران سینمای کشورمان است که اگر تناسلی بین نقش‌ها و کاراکترهایی که او بازی کرده با نقش مأموران حاکمیتی و امنیتی که در طول فعالیت بازیگری‌اش داشته، ببینیم قطعاً او جزو معدود بازیگران انگشت‌شماری است که ایفاگر نقش‌های این چنینی بوده، اما حزب‌اللهی‌ترین نقش را از قضا در همین سریال سقوط بازی کرده است.

■ از نقش‌های خاکستری به نقش سفید

با این حال پس از بررسی فیلم و گرافی نقش‌های این سلبریتی فراری نکته کلیدی دیگری روشن

قضایه‌از کشور خارج شده‌است.البته شنیده شده ضمانت و ریش‌گروگذاری برای فرخ‌نژاد با واسطه‌گری عوامل سازنده سریال امنیتی سقوط صورت گرفته است.

مسئله وقتی جالب‌تر می‌شود که راننده و کارپرداز فرخ‌نژاد از فروش تمام اموال منقول و غیرمنقول این سلبریتی پیش از فرار خبر می‌دهند تا جایی که راننده‌اش می‌گوید او حتی سیمکارتش را هم فروخته‌است! واضح است که فرآیند و انجام چنین اقداماتی کار یک‌روز یا دوز نیست و نیازمند مدت زمان بسیار بیشتری است. این نکته را وقتی در کنار موضوع ممنوع‌الخروجی و توقیف پاسپورت وی قرار می‌دهیم، متأسفانه نتایج و خروجی ناخوشایندی به دست می‌آید که نشان دهنده غفلت مسئولان است. چطور می‌توان پذیرفت که کسی متوجه این اقدامات فرخ‌نژاد نشده یا حتی نسبت به آن مشکوک هم نشده است؟

■ عبرت‌آموزی از تکرار تاریخ

درس گرفتن از اشتباهات و تجربه‌اندوزی از خطاهای دیگران به منظور جلوگیری از تکرار آنها یک اصل غیر قابل انکار بشری و عقلی است، دقیقاً به همین علت است که گفته می‌شود تاریخ تکرار می‌شود. در واقع حوادث تاریخی امکان وقوع مجددشان هست، لکن آن حادثه‌ای که در یک برهه متفاوت رخ داده با اتفاقی که در زمان رخ می‌دهد، ممکن است مشابه آن حادثه قبلی باشد، اما یقیناً مطابق و منطبق بر آن نیست، یعنی این رخدادها صرفاً در علت‌هایشان و نتیجه‌ای که دارند مشابه یکدیگر هستند و به همین علت امکان وقوع مجدد یک حادثه مشابه حادثه قبلی وجود دارد. به همین علت است که باید از اتفاقات گذشته برای کم کردن احتمال بروز مجدد آن تجربه‌ناخوشایند، عبرت گرفت.

این نکته بسیار مهم از سوی حضرت علی(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه خطاب به امام حسن(ع) وجود دارد و می‌فرماید: «فضایای گذشته را چراغ راه آینده کن و از رهگذر گذشته به آینده استدلال کن، چه حوادث عالم شبیه یک‌دیگرند و وقتی در گذشته حائغی اتفاق افتاده باشد شبیه آن در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد. اگر در گذشته دقت کنی، می‌توانی از آن عبرت‌گیری.»

با توجه به فرمایشات حضرت علی(ع)، اتفاقاتی که در اغتشاشات اخیر تحت عنوان تجربه برای مردم، مسئولان و کشورمان ایجاد شد از جمله خیانت سلبریتی‌های فراری حتماً قابل پیشگیری بود. مسئله فرار فرخ‌نژاد اگرچه از رزبای متعددی بازمی‌گردد از نظر مالی شرایط خوبی دارد و به آيسان پیشنهاد می‌دهد به ماه عسل بروند. آنها راهی ماه عسل و سفری رؤیایی می‌شوند، غافل از اینکه این سفر ماهیت تاریکی دارد.

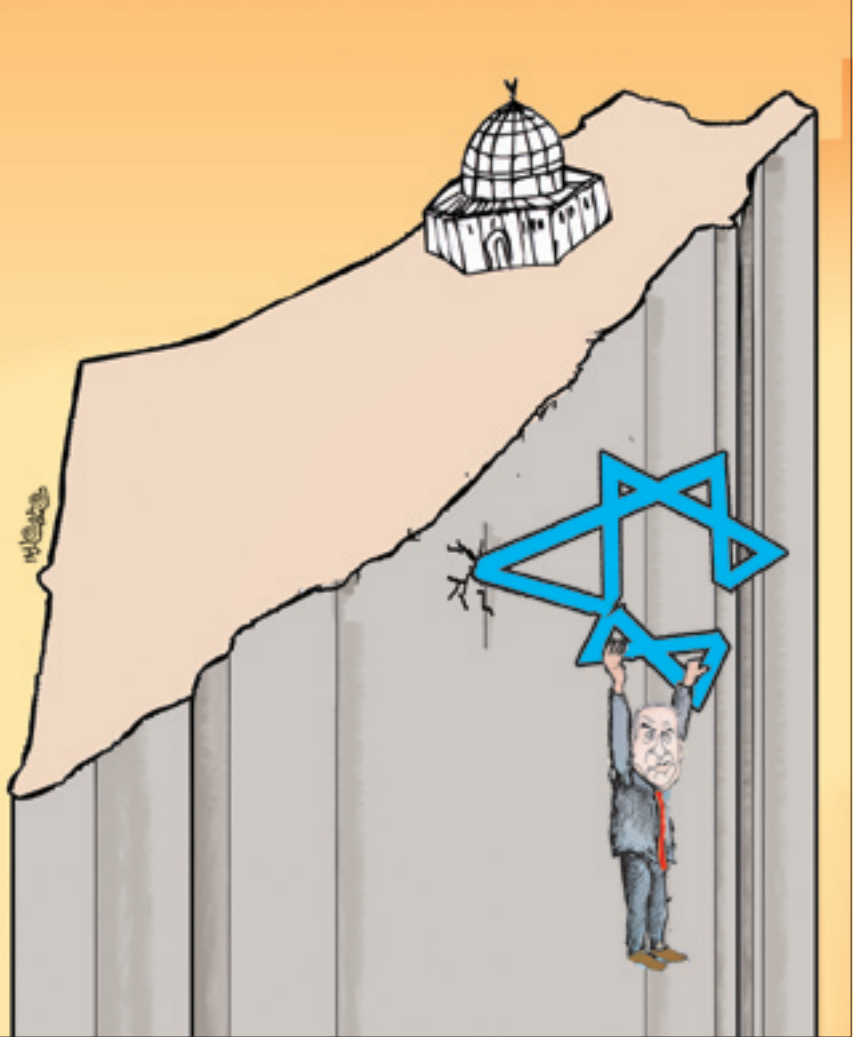
در واقع او در حالی با این نقش پرونده بازیگری‌اش در کشور می‌ببندد که به دنبال ایجاد ادراکی

مستقلات از دیگر کارهایش در آذهان مخاطبان است. به کلام دیگر او با راهاندازی یک جنگ ادراکی و شناختی به ذهن مخاطبان القای کند که فرخ‌نژاد فراری و خائن به مردم و کشور تداعی‌کننده همان نیروی امنیتی نهاد انقلابی و حاکمیتی سپاه است و در ادراک مخاطب فرخ‌نژاد با همه خصوصیاتش

مصادف با همان نیروی امنیتی است!

نکته قابل توجه دیگر در مورد پروسه فرار فرخ‌نژاد این است که ظاهراً او با فریب دادن ضابطان قوه

■ نما | حسین کشنگار



■ هنرمند

بهروز افخمی:

هنرمندان و مردم را با تروریسم از کار هنری ترسانده‌اند

هم مردم علاقه‌مند هستند که فیلم و سریال ببینند و تئاتر و کنسرت بروند و هم بازیگران دوست دارند کارشان را انجام دهند، اما یک جو وحشت وجود دارد و در واقع نوعی تروریسم به شکلی آنها را می‌ترساند



ایرانی هم اشاره می‌کند: «به نظر من فیلمی که چنگی به دل آدم بزند در سینماها نیست. همانطور که تا یک ماه پیش در آمریکا هم نبود. قبل از اکران «آواتار» چند هفته بود که کل سینماهای آمریکا، یعنی حدود ۴۰ هزار سالن سینما فقط ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار فروش کرده بود که برای هر سینما در طول هفته حدود ۱۰ تماشاگر می‌شود.

به هر حال مدتی بود که مردم به سینما نرفته بودند و این عادت از سر آنها افتاده بود. فیلمی هم که آنها را تشویق کند وجود نداشت، ولی الان در مدت هشت هفته «آواتار» به فروش بالایی رسیده و می‌توان متوجه شد که فیلم خوب چه تأثیری داشته است. حالا اگر بعد از «آواتار» هم فیلم اکران شود، مردم باز به سینما برمی‌گردند، اما درباره ایران باید گفت که گفتگر این سینما به ته دیگ خورده است. انقدر سینمای انتقادی -اجتماعی به شکل‌های مختلف تکرار شده که حوصله همه را سر برده است. فیلم درست و حسایی و آن چیزی که به ذات سینما نزدیک باشد، یعنی اکشن خشن مردانه و پسرانه کلاسیک که البته دخترهای جوان هم آن را تماشا می‌کنند، نداریم. چون اولاً ساخت این فیلم‌ها کار آسانی نیست و بعد هم به فرض آنکه چنین فیلمی روی پرده سینمای ایران باشد طول می‌کشد تا مردم متوجه آن شوند. هر فیلمی که در یک سینمای ام‌رده، سینمایی که یکدست شده و همه خیال می‌کنند هیچ اتفاقی در آن نخواهد افتاد اکران شود، اگر متفاوت باشد به تنهایی و به سادگی می‌تواند مردم را متوجه خود کند و خود تماشاچیان آن را تبلیغ می‌کنند، ولی چنین فیلمی تا جایی که من می‌دانم و براساس فیلم‌هایی که از سال قبل در کمیته انتخاب جشنواره فجر دیدام، ساخته نشده است.

■ ادبیات

روایتی از دیدار جلال با امام خمینی

به مناسبت شصتمین سالگرد انتشار کتاب غریزدگی

امام به آل احمد گفت: آنچه ما باید بگوییم شما گفته‌اید



خزعبلات را می‌خوانید؟ بانگ‌هایی به من پرسیدند: شما آقای آل احمد هستید؟ گفتم: بله. گفتند: آنچه ما باید بگوییم شما گفته‌اید.»

در ادامه جلال درباره این ملاقات می‌گوید: «حتی دست پدرم را نیوسیدم.بوم، اما دست‌های ایشان را بوسیدم.»

امام خمینی نیز در اردیبهشت ۱۳۵۹ درباره دیدار جلال با ایشان فرمودند: «قای جلال آل احمد را جز یک ربع ساعت بیشتر ندیدم. در اوایل نهضت یک روز دیدم که آقا‌یی در اتاق نشسته‌اند و کتاب‌ایشان غریزدگی جلوی من بود. ایشان به من گفتند: چطور‌ی این چرت و پرت‌ها:نزد شما آمده‌است؟ یک همچو تعبیری و فهمیدم که ایشان هستند. مع‌الأسف دیگر او را ندیدم. خداوند ایشان را رحمت کند.» جلال آل احمد که از هر فرصتی برای مبارزه با استبداد و استعمار استفاده می‌کرد و برای آشکار کردن مردم با توطئه‌های غربیان قلم می‌زد، در نهایت در ۱۸ شهریورماه ۱۳۴۸ در گذشت.